

هو الابهی - یا من اشتعل من نار محبة الله و هاجر من...

حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسی



۳۶

هو الابهی

یا من اشتعل من نار محبة الله و هاجر من الله الى الله و قفنی الله و ایاک علی الرشف من كأس الفداء فی سبیل الله. ورقه مطرزه به بدایع ذکر الله وارد و از روایح خوش محبة الله مهتز و مسرور گشتم. انلخت نصف الملاقات مشهور ولكن از قرائت کتاب آن جناب تمام ملاقات فی الحقیقه حاصل گشت. هنیئاً لک بما توجهت الی دیار الله و نادیت باسمه بین بریته و دعوت خلقه الی البحر الأعظم الذی یتوج فی ذاته و یقذف علی شواطئ الوجود من اللالی التي لاح انوارها العالمین. طوبی لأرض مشیت علیها فی سبیل الله و طوبی لهوآء استنشقته فی محبة الله فیا بشری لک مما قدر لک ربک العزیز المهیمن القیوم.

الطاف بینهایت سلطان احدیت در حق مخلصین اگرچه به ظاهر عند الغافلین مشهود نه ولكن عن قریب چون شمس لائحه در قطب امکان من دون ستر و حجاب ظاهر خواهد گشت. البته در آن حین محتوم نفوس متکاسله پشیمان و نادم و محروم خواهند شد. چه قدر غفلت است که انسان در این یوم اعظم الهی که ذرات وجود از شوق و وله لقا در رقص و اهتزازند هیاکل انسانیه که باید مطلع آیات رحمانیه گردد محمود و منجمد. در این بهار روحانی و ربیع الهی که اشجار و جبال و تلال حتی الأجار سرسبز و خرم گشته اند اگر شجری از این فضل اعظم محروم ماند و چون اعجاز نخل خاویه در زاویه انجماد و انجماد مهمل و معطل گردد دیگر در چه موسمی مخضر گشته به شکوفه و ازهار مزین آید. ای مشتاقان اگر از این نار موقده ربانیه مشتعل نگردید برودت امکان



ORIGINAL



AUDIO

و شئون افسرده مقتضیات بشریت را به چه زائل می‌نمائید و اگر به این مصباح الهیه که در زجاجیه رحمانیه موقد و مضیء است مستنیر و مستضیء نشوید آیا به چه نوری هدایت شوید و اگر از ساحل بحر البحور حقّ تشنه برگردید آیا از چه معینی به حیات جاودانی فائز گردید. به نغمه الهی در این گلشن باقی بر شاخسار حقیقت تغنی نمائید و به ذکر حقّ جهان مرده را زندگی و حیات روحانی بخشید، چون اغصان شجره وجود در کلّ احیان در اهتزاز باشید. الیوم یوم جوشش است چون بحر بخروشید و اوان اوان و سارعوا الی مغفرة من ربکم، به جان و دل بکوشید. از بلایا و رزایا در سبیل حقّ پزمرده نگردید و به راحت و استراحت جسمانیّه آلوده نشوید. اگر شریان محبة الله در قلب متحرک گردد جمیع مصائب فی سبیل الله در کام از شهد شیرین تر و از جان گوارتر گردد. این ایام معدوده عن قریب بسر آید و راحت و صفا و مشقت و جفا جمیع در گذرد. نه افسر و دیهم سروران را وفائی و نه عسرت و زحمت بینوایان را بقائی. پس خوشا حال نفوسی که در مشرق ابداع به نور محبة الله چون شمس درخشیدند و در این جهان فانی به امری قیام نمودند که به حیات جاوید رسیدند و انوار آثار و خدماتشان در اعلاء کلمه الله در فجر امکان چون صبح نورانی طالع و ذکر اشتعالشان در محبة الله در کلّ آفاق مشهور و حاضر و اجعل لی لسان صدق فی الآخِرین. و این معلوم است که آنچه مقصد ارجمند و همت بلندتر سبیل وصول پرمشقت ترأ حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یأتکم مثل الذین من قبلکم اصابتهم البأساء و الضراء و همچنین می‌فرماید لم تکونوا بالغیه الا بشقّ الأنفس و از این گذشته فوالله الذی لا اله الا هو که مصائب و بلیات در راه محبوب آفاق لذت شاربین کأس عنایت از ید ساقی احدیت است. حضرت اعلی روح العالمین فداه می‌فرماید الهی اگر بلایا و مصائب در سبیل محبت تو نبود حیات و وجود از برای من لذتی نداشت. قدری در این باید ملاحظه نمود که محن و آلام و مصائب و بلیات در سبیل الله عند الله به چه مقدار محبوب و عزیز است که جمال قدم بلاء اعظم را به جهت نفس مبارکش قبول فرموده و از امکان و اکوان جز سهام و سنان وارده متابعه فی حبّ الله اختیار نفرموده فاعتبروا یا اولی الأبصار.

اللهم اسئلك بجرمة دمآء التي هرقت في سبيلك و قلوب التي رميت بسهام الظلم في محبتك و صدور التي استهدفت النبال هيماناً في جمالك ان تؤيد عبادك المخلصين على الاشتعال من نار جذائبتك و توفّق احبائك على اعلاء كلمتك بين بريتك و تنسبهم شئونهم الفانية التي تمنعهم عن القيام بما يليق لنسبتهم اليك. اي ربّ ثبت اقدامهم على امرك الذي لا يثبت عليه الا من جعلت رجليه حديداً بفضلك و احسانك و استقمهم بقوة فردائيتك على ذكرك انك على ما تشاء قدير.

جميع احبآء الله و اصفیائهم و مستعدّی الاشتعال من مصباح هداية الله را به ذکر ابداع ایهی ذا کریم. آقا غلام حسین در ظلّ حقّ لله الحمد مستریح و در ناصره ساکنند. به جهت بعضی نفوس الواح قدسیه مبارکه که خواسته بودید ارسال شد. نظر به حکمتی اسمائشان در سر الواح مرقوم نشد فاختر کلّ واحد منه لمن التقی الله علی قلبک و البهآء علیک و علی احبآء الله المخلصین. آقا